



علم آموزی در تفکر دینی عبادت است/ فرهنگ اسلامی خود را فراموش کردیم

گلشنی با بیان اینکه از مشکلات عمده ما از دست دادن هویت دینی است، گفت: فرهنگ اسلامی خود را فراموش کرده‌ایم در حالی که در این فرهنگ علم نوعی عبادت است.

گلشنی با بیان اینکه از مشکلات عمده ما از دست دادن هویت دینی است، گفت: فرهنگ اسلامی خود را فراموش کرده ایم در حالی که در این فرهنگ علم نوعی عبادت است.

به گزارش خبرنگار مهر، آئین نکوداشت «مهدی گلشنی»، استاد فلسفه علم به همت قطب علمی فلسفه دین اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بعد از ظهر دوشنبه ۵ اسفندماه جاری در برگزار شد.

مهدی گلشنی در این مراسم در ابتدای سخنان خود با اشاره به پنجم اسفند که در تقویم رسمی به عنوان روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی نامگذاری شده است، گفت: خواجه نصیر برای من الگوی همه چیز است. کتابی در مورد تاریخ علوم در تمدن اسلامی در عربستان سعودی نوشته بود که شامل فیزیک، شیمی، داروسازی و سایر علوم بود، برایم مایه تعجب بود که در یکی از جلد‌های این اثر نوشته بود خواجه نصیر باید برای جوانان ما الگو باشد. نکته اینجاست که این کتاب در عربستان سعودی چاپ شده بود.

وی ادامه داد: اکنون زمان حساسی برای کشور ما محسوب می‌شود. اگر بیدار نباشیم لطمه می‌خوریم. من ۹ سال در آمریکا بودم، بیشتر کشورهای مهم اروپایی را دیدم، بسیاری از کشورهای مهم آسیا را دیدم، کمتر کشوری ظرفیت بالایی مانند ایران دارد. تلاش غرب در این بوده که فرهنگ آشفته‌ای را در این کشور حاکم کند و نتیجه‌اش این شده که ما فرهنگ اسلامی خود را فراموش کرده ایم، غرب اشکالات فراوانی دارد و در حال کشاندن جهان به سوی نابودی است.

گلشنی گفت: در راستای چنین وضعیتی است که یک فیلسوف علم غربی کتابی به نام «از دانش به حکمت» می‌نویسد و حرفش آن است که باید انقلابی در برنامه دانشگاه‌ها ایجاد شود تا از این وضعیت نجات یابیم. او می‌گوید چرا آمریکا ۵۰ درصد از بودجه خود را صرف کارهای نظامی که نیازی ندارد می‌کند؟

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه در فرهنگ اسلامی و تفکر دینی، مطالعه علمی را نوعی عبادت می‌دانستند، افزود: در قرون وسطا نیز اینگونه بود، کسانی چون «نیوتن» و «لایب‌نیتس» نیز چنین تفکری داشتند تا اینکه افکار تجربه‌گرا به مفهوم پوزیتیویستی ایجاد شد. «هیوم» آمد و بعد از او «آگوست کنت» و دیگران، ما در قرن نوزدهم به ندرت می‌بینیم که دین در غرب مطرح باشد. البته در همین قرن نوزدهم نیز برخی از مهمترین عالمان متدین تمام عیار بودند، اما اکثریت آنها بی‌اعتنا به دین و فلسفه بودند تا نیمه دوم قرن بیستم که قضیه تغییرکرد و مکاتب مختلف فلسفه علم آمدند و برای مثال حتی یکی از مهمترین فیزیک دانان زمان ما مقاله ضد پوزیتیویستی می‌نویسد و ادعا می‌کند که این تفکر پیشرفت علم را عقب می‌اندازد.

بنیان گذار گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف افزود: از سوی دیگر اکنون تفکر پوزیتیویستی بر دانشکده‌های علوم ما حاکم است؛ این در حالی است که در غرب عده‌ای گفتند این تفکر اشکال دارد و بر علوم اصولی حاکم است گرچه برخی این مهم را متوجه هستند و عده دیگری از آن درکی ندارند، اما اکنون متوجه شدند که یک سری اصول عام حاکم است و تجارب موجود هیچ تئوری را قطعی نمی‌کند، لذا هیچ حرفی را به صورت قطعی نمی‌توان در مورد علم بیان کرد. یعنی تجربه هیچ نظریه‌ای را قطعی نمی‌کند. این همان چیزی بود که انیشتین گفته بود.

گلشنی تصریح کرد: از آنجایی که علم نمی‌تواند ارزش‌های اخلاقی را توضیح دهد و همچنین نمی‌تواند برخی سوالات بنیادی ما را پاسخ دهد، در نتیجه دیدگاه «کل نگر» مطرح شد. این دیدگاه هم اخلاق و هم دغدغه‌های بنیادین ما را توضیح می‌دهد و اصول عام که بر خود علم حاکم نیست. یک فیزیکدان روسی عنوان کرد اینکه ما می‌گوئیم در فیزیک دنبال وحدت نیروها می‌گردیم از وحدت ابراهیمی گرفته ایم. بنابراین چنین مسائلی اکنون واضح است و فیزیکدانان فهمیدند که احتیاج به فلسفه داریم در حالی که دانشگاه صنعتی شریف اجازه نمی‌دهد که مثلاً یک درس مبانی فلسفی فیزیک داده شود، در حالی که فیزیکدان تراز اول غرب می‌گوید: «فلسفه به فیزیک نیاز دارد و فیزیک به فلسفه».

این استاد دانشگاه افزود: مجامع مهمی در غرب تشکیل شده که فیزیک و فلسفه را با هم مخلوط کردند به این معنی که اساتید هر دو رشته ارگانی را تشکیل داده و با یکدیگر تبادل نظر می کنند، اگر به کانال آکسفورد نگاه کنید و در مورد کیهان شناسی جست و جویی داشته باشیم می بینیم که چه قدر کنفرانس در مورد عالم تشکیل دادند و در این بین تا چه اندازه فیلسوف و فیزیکدان با یکدیگر تعامل داشتند.

وی ادامه داد: در اروپا و آمریکا انجمن علم و الهیات راه اندازی شد که من یک دوره به انجمن اروپایی مقاله دادم، بسیار لذت بردم که می دیدم فیزیکدان، فیلسوف و زیست شناس به یکدیگر کمک می کنند. اگر در کشور ما جنبه های مثبت علم جدید منتقل شده بود، بسیار وضعیت متفاوتی داشتیم. حرف هایی که فیزیکدانان امروزی در مورد معجزه می زنند همان حرف علامه طباطبایی است، اما حوزه های ما به این بحث ها توجهی نداشته اند. فلسفه اسلامی اگر به موازات نیازهای روز پیش رود بسیار کاربردی خواهد بود، اما در مملکت ما فلسفه قاره ای ترویج می شود و نفوذ خارجی هم پشت آن هست. صاف و صریح نتیجه اش این می شود که علوم شناختی را در کشور ما درس می دهند بدون توجه به تحولاتی که در غرب اتفاق افتاده است.

گلشنی گفت: من ۲۵ سال قبل خدمت مقام معظم رهبری گفتم که این تحولات در غرب وجود دارد و میان کلیسا و دانشمندان تعامل است. یک عده از کشیش ها به درجه دکترای فیزیک و زیست شناسی رسیدند و برخی فیزیکدانان درجه فلسفه گرفتند و این مهم سبب وسیع شدن بینش ها شد، لذا تعامل نیاز است، نتیجه نبودن این تعامل در کشور ما این شده که بسیاری موارد در کشور ترجمه شده که نیاز نیستند، اما آثار مفید که در غرب تألیف شده و در جهت تفکر سینوی و صدرایی است اصلاً ترجمه نشده است.

وی تصریح کرد: غفلت عمومی در سطح وزارت خانه ها و غیره وجود دارد، اما من انتظار دارم که حضرات حوزوی نظارت بیشتری بر جریان های که از نظر فرهنگی در کشور ما وجود دارد داشته باشند. یکی دیگر از مشکلات عمده ما از دست دادن هویت ملی دینی است، جوانان ما هویت خود را از دست داده اند. دانش آموزان دبیرستان تیزهوشان می گویند خدا یعنی چه؟ یکی از استادان که در یکی از دبیرستان های تیزهوشان درس می دهد تعریف می کرد که آنها از دوره دبیرستان به فکر رفتن به خارج از کشور هستند. بسیاری از دانشجویان نخبه پس از فارغ التحصیلی به دنبال رفتن هستند. چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی این مسائل دغدغه اش نیست؟ وقتی نخبگان را از دست دادید آیا می توانیم سرآمد شویم؟ این قدر مقام معظم رهبری تأکید بر رفع نیازهای داخلی و نوآوری در علم کردند. آیا با معیارهای قلابی که در ارزیابی های علمی حاکم است می شود نوآوری داشت؟ چرا هیچ مرجعی نیست که رسیدگی کند؟ نیاز است که ارزیابی دقیقی مستقل از ارگان های رایج شکل بگیرد چرا که به نظر من آنها تشریفاتی هستند.

گلشنی گفت: نفوذ خارجی در دانشگاه ها وجود دارد. آدم مشکوک آمده و بلافاصله جذب شده و اساتیدی با سابقه هفت ساله و ده ساله و متدین معطل مانده اند. بارها پیشنهاد کردم به وزارت علوم که جایی باشد و رسیدگی شود. معتقدم باید به فکر این باشیم که این ناهنجاری ها از بین رود و تا وقتی که رصد نکنیم فکر می کنیم همه چیز در مدارس و دانشگاه ها سرچایش است اما نیست. باید احساس مسئولیت تقویت شود.